

به مناسبت ۸ مارس

وسالروز تولد رُزالوکزامبورگ (۵مارس)

چهره برجسته جنبش کارگری و کمونیستی

رُزالوکزامبورگ زنی انقلابی و کمونیست و یکی از چهره های درخشان و مبارز جنبش کمونیستی بین المللی میباشد. کمونیستی با آرمانهای عالی، والا و اراده ای سترگ ، محکم و با اعتقادی خدشه ناپذیر به قدرت پرولتاریا و پیروزی نهایی این طبقه انقلابی در مصاف با بورژوازی .

حوادث و تحولات جهانی چه در زمانی که رُزا زنده بود و چه بعد از آن صحت این نظر را بیشتر نشان میدهد. بورژوازی در سراسر جهان به استثمار و جنگ افروزی های خود ادامه می دهد و دنیا را با انسانهای ستم دیده و استثمار شده را به سرانگیختگی می کشاند. در گذشته نیز نمونه های فجیع این و حشی گری های بورژوازی رادیکالتر مردم بی گناه و بی دفاع و دربرپایی جنگ اول و دوم جهانی توسط بورژوازی و امپریالیسم شاهد بوده ایم. از طرف دیگر نیروی بالنده و انقلابی (طبقه کارگر) در حال مبارزه و یافتن ابزارهایی از این شرایط جهنمی است که بورژوازی برای اکثریت ساکنان کره زمین بوجود آورده است.

رُزایین زن مبارز و خستگی ناپذیر تا آخرین روزهای حیات پربار خویش از آرمانهای کمونیستی خود دست نکشید و با عمل و تئوری انقلابی در راه مبارزه برای رهایی طبقه کارگر با بورژوازی و نوکران به ظاهر طرفدار کارگران جنگید (رفرمیست ها، ناسیو نال_شونیست ها) به راستی که او مانند گل رز زیبایی بود که برای طبقه محروم، رفقاییش، دوستانش، طبیعت و حیوانات نرم و مهربان و در برابر دشمنانش انعطاف ناپذیر بود. رُزا در زمانی که در زندان بود ، وقتی که گاهی از روزنه ای چشمش به کنجشکان گرسنه که در سرما و از گرسنگی درمانده شده بودند می افتاد بسیار غمگین میشد و سعی میکرد از سهم نانی که در زندان به او میدادند به کنجشک ها بدهد.

او دریکی از نامه های خود که به یک رفیق حزبی نوشته به این موضوع اشاره میکند و می گوید : من دلم برای کنجشک ها میسوزد ، آنها تشکیلات ندارند و کسی در فکر آنها نیست و یا برنامه های بسیار لطیف و پراز احساس خود برای همسرش و یارهایش مینوشت که چقدر دلش برای آنان و برای طبیعت تنگ شده است . این از نمونه برخوردهای بسیار لطیف و زیبایی است که رُزا به اطرافیان خود داشت و در آن روحیه بسیار لطیف و زیبای یک انقلابی را مشاهده می کنیم . در عوض در مقابل دشمنان مردم استثمار شده بسیار سرسخت بود و هیچ کوتاه نمی آمد.

رُزا در ۵ مارس ۱۹۸۱ در شهر زاماسک در کشور لهستان از یک خانواده یهودی الاصل دنیا آمد که در آن مقطع کشور لهستان تحت سلطه روسیه تزاری بود.

به علت اینکه مذهب حاکم در لهستان کاتولیسیسم بود فشار و تبعیض زیادی به خانواده رُزا و به خود او به عنوان یک زن یهودی وارد میشد و این ستم در مورد رُزا تبعیض چند جانبه ای بود.

او در کودکی بسیار باهوش بود و زودتر از کودکان هم سن و سال خود خواندن و نوشتن را آموخت و در سراسر عمر خویش به مبارزه برای رهایی پرولتاریا و تحقق سوسیالیسم و کمونیسم جنگید و هیچ چیزی او را در پیش برد این هدف مانع نمیشد. در سنین بسیار جوانی به فعالیتهای انقلابی روی آورد و با شور و عشق فراوان و انرژی بی پایان مشغول انجام وظایف انقلابی خویش بود.

مسئله زنان وره‌های قطعی ونهایی آنها را از ره‌های طبقه کارگر و استقرار سوسیالیسم جدا نمدانست. از اینکه زنان در حال تلاش و فعالیت برای حقوق برابر مردان بودند نیز خوشحال بود. او در لهستان به حزب انقلابی به نام پرولتاریا پیوست تا زمانیکه در سن ۱۶ سالگی پلیس از فعالیت‌های او آگاهی یافت و رزومجوربه ترک لهستان و مهاجرت به سوئیس شد و در شهر زوریخ سکنی گزید. در سوئیس به تحصیل در رشته های علوم طبیعی، ریاضی و اقتصاد پرداخت. در آن موقع زوریخ پایگاه مهاجرین انقلابی، کارگران پرشور و کمونیست های مهاجر بود و رزومجور در سوئیس با اینگونه جمع ها و افراد ارتباط داشت و به عنوان رهبر نظری حزب سوسیالیست انقلابی لهستان شناخته شده بود.

در سن ۲۲ سالگی به عنوان نماینده این حزب (که از سال ۱۸۹۴ تغییر نام داده بود و به نام حزب سوسیال دموکراسی پادشاهی لهستان که بعداً واژه لیتوانی به آن اضافه شده بود در کنگره بین المللی شرکت کرد. زمانیکه این حزب از استقلال لهستان دفاع میکرد و از ناسیونالیسم لهستانی و جنبش ناسیونالیستی آن . رزومجور به وساختنانه بر علیه این انحرافات ناسیونالیستی در مقابل رهبران قدیمی حزب ایستاد و به درستی معتقد بود که افکار و گرایش ناسیونالیستی حزب کارگران را از اهداف برحق و واقعی آنان که خواهان تحقق سوسیالیسم میباشد باز میدارد و آنها را در خدمت منافع و اهداف طبقات دیگر درمی آورد.

در رابطه حق ملل در تعین سرنوشت نیز رزومجور با لنین اختلاف نظر داشت ولی اختلاف او با لنین در درون طیف انقلاب بود و آنان یکدیگر را به عنوان دور فیک انقلابی ارزیابی میکردند.

به دلیل موضع رزومجور در مقابل ناسیونالیسم طلبی حزب سوسیالیست لهستان ، کادر رهبری این حزب رزومجور را متهم به این کرد که او عامل مخفی پلیس روسیه میباشد، ولی هیچ اتهامی نمیتوانست او را از موضع پرولتری خویش و مخالفت با ناسیونالیسم بازدارد و همیشه تا آخر زندگی پر بار خویش از دفاع کردن و مبارزه کردن در راه انقلاب پرولتری یک لحظه تردید نکرد و با انواع انحرافات بورژوازی جنگید.

در سال ۱۸۹۸ به جنبش کارگری آلمان پیوست و با کوشش و جدیت فراوان به نویسندگی در یکی از روزنامه های مهم آلمان به نام دی نوبه تسایت (عصر جدید) مشغول شد . و با تمام وجود، عشق و علاقه در جنبش کارگری و سوسیالیستی آلمان به فعالیت پرداخت. در این سالها دو گرایش در جنبش کارگری وجود داشت : یکی گرایش انقلابی و دوم گرایش رفرمیستی . سخنگوی گرایش رفرمیستی برنشتاین بود .

برنشتاین در بین سالهای ۱۸۹۶-۱۸۹۸ به نوشتن یک سلسله مقالات به نام " مسائل سوسیالیسم " پرداخت که در این مقالات آشکارا و بیشرمانه به اصول مارکسیسم حمله کرد و بحث های شدیدی در این رابطه در گرفت که رزومجور با صلابت و قاطعیت تمام بدون هیچ تردیدی به دفاع از مارکسیسم پرداخت و در کتاب خود به نام رفرم اجتماعی یا انقلاب اجتماعی به شدت به رفرمیسم حمله میکند .

برنشتاین برخلاف نظریه مارکس که انقلاب و قهر انقلابی را برای براندازی نظام سرمایه داری اجتناب ناپذیر میداند به گذارتدریجی به سوسیالیسم معتقد بود و با استفاده از پارلمان و انجام رفرم از بالا و در دستگاه نظام بورژوازی رسیدن به سوسیالیسم را امکان پذیر می دانست . چیزی که بعدها به راه رشد معروف شد.

متأسفانه به دلیل حاکمیت طولانی استالینیسم بر جنبش چپ در سراسر جهان ایده های واقعی مارکسیستی و پرولتری سالیان طولانی در زیر خوارها انحراف و گرایش غیر مارکسیستی پنهان شده بود و در جنبش چپ به جزء عده ای معدود از نظرات رزومجور و دفاع همیشگی و اصولی او از سوسیالیسم و پرولتاریا بی خبر مانده اند و در سالهای اخیر به نوشته ها و زندگی این انقلابی کمونیست بیشتر پرداخته شده است .

در نتیجه جنگ اول جهانی متأسفانه حزب سوسیال دموکرات آلمان از موضع دفاع از بورژوازی خودی و جنگ طلبی امپریالیسم جهانی به نفع اعتبارات جنگی به قیصر رأی مثبت داد و از ۱۱ نماینده فقط ۵ نفر رأی مخالف داد. در ۴ ماه اوت تمام اعضای حزب سوسیال دموکرات به نفع اعتبارات جنگی رأی دادند. چند ماه بعد رزومجور به همراه گروه کوچکی جمعیت اسپارتاکوس را تشکیل دادند و قاطعانه بر علیه موضع دفاع طلبی حزب سوسیال دموکرات ها از بورژوازی آلمان و شرکت در جنگ را رد کردند و رزومجور به مدت ۴ سال برچم سوسیالیسم و دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری را برافراشت .

اعضای جمعیت اسپارتاکوس شامل افراد زیرمیشد : کلارا زتکین ، رزا لوکزامبورگ ، کارل لیکنشت و فرانز مهربنگ.

سوسیال دموکرات ها از آن زمان بادفاع و شرکت در جنگ امپریالیستی به دفاع از منافع بورژوازی برخاستند و به دنبال روبرژوازی و اهرم فشار و سرکوب طبقه کارگر شدند و در این راه از هیچ گونه فریب و حيله و توهّم پراکنی در میان طبقه کارگر و چند دستگی در میان صفوف طبقه کارگر کوتاهی نکردند و از آن موقع تاکنون در کشورهای مختلف به فریب دادن طبقه کارگر و در خدمت بورژوازی از هیچ جنایتی خودداری نکردند. با حربه دموکراسی و انتخابات آزاد از یک طرف و هر جاکه لازم بیند با مذهب و ارتجاعی ترین رژیم ها بنای دوستی و مراوده باز می کنند .

در سال ۱۹۱۳ رزاهمترین اثر خود را به نام " انباشت سرمایه " مینویسد و این کتاب سهم زیادی در توضیح امپریالیسم دارد. در سال ۱۹۱۴ رزاهایه اتهام تحریک سربازان دستگیر و دادگاهی میکنند و در هنگام وقوع انقلاب اکتبر رزادرنندان سربامیرد .

با وجود اختلاف نظرهایی که بالنین داشت به ستایش انقلاب اکتبر پرداخت و در کنار انقلاب اکتبر و از موضع همبستگی پرولتری با انقلاب اکتبر همراهی و همدلی نمود. در ۸ نوامبر انقلاب در آلمان موجب آزادی رزادرنندان شد.

ولی مناسفانه بورژوازی آلمان به کمک نوکران سوسیال دموکراتش طبقه کارگر را سرکوب کرد و هزاران کارگر را به قتل رساند .

در روز ۱۰ ژانویه ۱۹۱۹ اول کارل لیکنشت را به قتل رسانده و همان روز نیز رزاهاین زن انقلابی و کمونیست برجسته را به طرز وحشیانه و فجیحی به قتل رساندند. مرگ او مانند زندگیش در خدمت بشریت استثمار شده میاشد و یاد او، فعالیتها و دیدگاه هایش برای همیشه در تاریخ مبارزه طبقاتی و جنبش کارگری و کمونیستی ماندگار و پابرجا خواهد بود .

برای زنان درسراسر دنیا او نمونه و سمبل زنیست که همیشه با دیدگاه ها و اعمال مستقل خویش انقلابی عمل کرد و برای تمام بشریت سرکوب شده صرف نظراز جنس و نژادش می جنگیده است .

بنفشه

۵ مارس ۲۰۰۹